

سجاد رحیمی

## از مدرسه سازی تا تیم نوازی



برکت را زیاد می کند خرج کردن آن در راه خدا و گره گشایی از مشکلات خلق خداست. وی در ذکر خاطراتش می گوید: در یکی از روستاهای شهرستان بیرجند مدرسه- ای ساخته بودم که مردم آن بسیار فقیر و زحمت کش بودند، وقتی که مدرسه را افتتاح کردیم مدیر آموزش و پرورش بیرجند یک قالیچه ای را از طرف مردم آن روستا به من هدیه کرد؛ من دیدم این ها با این بضاعت این هدیه گرانبها را برای من تهیه کرده اند، بنابراین صحیح نمی- دانستم آن را بگیرم چرا که با فروش آن گره زیادی از مشکلات آنها باز می شد، اما از طرفی اگر هدیه آنها را نگیرم ممکن است ناراحت و دلگیر شوند؛ بنابراین هدیه را از آنها قبول کردم اما برای جبران محبت هایشان ۲۱ مدرسه در خراسان ساختم و تا عمر دارم در این راه از هیچ خدمتی

پیشگاه خداوند مسئول هستند. سخن گفتن از ویژگی ها، شخصیت و اقدامات خیرخواهانه حاج اکبر ابراهیمی کاری بس دشوار است زیرا از طرفی ایشان زیاد حاضر به سخن گفتن از خود نیستند و از طرفی دیگر دسترسی و گفتگو با وی به علت مشغله کاریشان بس دشوارتر است. او با اینکه تمام عمر خود را وقف مدرسه سازی و امور خیر کرده است؛ اما هنوز خود را بدهکار می داند و معتقد است: شاید هر کس به اندازه استطاعتش حتی یک آجر کمک کند در ساخت مدرسه یا کارهای دیگر ارزش کارش نزد خداوند از ساخت صدها مدرسه بالاتر باشد. یکی از ویژگی های حاج اکبر ابراهیمی شجاعت در بخشندگی است. وی در این زمینه می گوید: همیشه می گویم خدایا به دست دهندگی من برکت بده نه به مالم، چون به مالم برکت داده است؛ اما آنچه این

آنچه از اهل کرم باقی می ماند نام نیک است. به قول حافظ شیرین سخن، بر این رواق زبرد جز نکویی اهل کرم چیزی نخواهد ماند و شیخ اجل نیز در این مورد می گوید: درخت کرم هر کس هر کجایک کند، شاخ برگ آن از فلک می گذرد. لذا خوان کرم افرادی چون حاج اکبر ابراهیمی آنقدر گسترده و پرآوازه است که نیازی به سخن گفتن از شخصیت ایشان نیست و قلم ما در وصف او به عنوان یکی از قهرمانان واقعی کشور در جبهه فقر، بیسوادی و بیکاری بسیار ناتوان و درمانده است. حاج اکبر ابراهیمی در ارتباط با مسئولیت افراد توانمند در برابر بیسوادی اعتقاد دارد، همه کسانی که دارای ثروت و سرمایه هستند، در قبال بیکاری، بی اخلاقی و جرایمی که منشاء آن بیسوادی است، در

فروگزار نمی‌کنم.

### یکی از ویژگی های

### حاج اکبر ابراهیمی شجاعت

در بخشندگی است. وی در این زمینه می‌گوید: همیشه می‌گویم خدایا به دست دهندگی من برکت بده نه به مالم، چون به مالم برکت داده است؛ اما آنچه این برکت را زیاد می‌کند خرج کردن آن در راه خدا و گره‌گشایی از مشکلات خلق خدا است.

حاج اکبر ابراهیمی متولد (۱۳۲۳) تهران می‌باشند. وی در سن نوجوانی وارد بازار کار شد و اکنون یکی از کارآفرینان مطرح کشور می‌باشد و کار، جوهره اصلی ایشان است. در حال حاضر وی مدیر یکی از کارخانه‌های بزرگ کشور می‌باشد. طبق اطلاعات کسب شده ایشان معمولاً صبح‌ها در دفتر مرکزی کارخانه واقع در تهران مشغول به کار و مدیریت این کارخانه می‌باشند و عصرها در بنیاد خیریه اش در روستای شلمبه از تابع شهرستان دماوند مشغول به کار هستند.

اما چرا شلمبه و شلمبه کجاست؟ باید گفت: روستای شلمبه روستایست، بسیار زیبا با نسیمی دل‌انگیز و دلنواز که با دستان توانمند اهالی آن آباد شده اما آنچه که این روستا را معروف ساخته کاخ کودکان بی سرپرست (دارالایتام) ساخته دستان توانمند حاج اکبرست که در این روستا احداث شده است.

طبق هماهنگی های صورت گرفته، صبحگاه سه شنبه ۱۹ مردادماه ۹۵ برای گفتگویی کوتاه با حاج اکبر به این روستا مراجعه کردیم. از ترس اینکه به موقع سر قرار نرسیم شبانه راه افتادیم، چون به ما گفته بودند؛ چنانچه سر وقت نرسیم، دیگر نخواهیم توانست او را ملاقات کنیم، زیرا او بسیار وقت شناس است. ما نیز صبح علی طلوع یک ساعت و نیم قبل از ساعت ملاقت مان با حاج اکبر به روستای شلمبه رسیدیم. اما آنچه ما را در این فاصله به خود سرگرم کرد زیبایی روستا و عظمت دارالایتام و کار حاج اکبر بود. قطعاً یکی از اهداف و دغدغه اصلی حاج

اکبر ابراهیمی در ایجاد موسسه دارالایتام شلمبه مبارزه با بیسوادی کودکان بی سرپرست بوده و به همین دلیل در گذشته بخش عمده ای از اقدامات خیرخواهانه این خیر به مدرسه سازی اختصاص یافته است. وی تاکنون نزدیک به ۱۱۰ مدرسه در استان‌های مختلف از جمله استان خراسان جنوبی، خراسان رضوی، تهران، کهگیلویه و بویراحمد، سمنان، کردستان و کرمان احداث و به نظام تعلیم و تربیت میهن اسلامی اهدا کرده است.

عظمت و زیبایی این مجتمع و کرم، بخشش و گشاده دستی حاج اکبر ابراهیمی حس عجیبی به ما داد. قبل از ساعت ۸ صبح یواش یواش کارکنان شیفت صبح مجتمع از راه می‌رسند، ما همچنان منتظر از راه رسیدن حاج اکبر و دیگر مدیران وی هستیم. رأس ساعت ۸ صبح صدای زنگ و شروع کلاس بچه‌ها به گوش می‌رسد. پس از چند دقیقه کلاس درس بچه‌ها شروع و صدای همخوانی و تمرین آنان با مریبان‌شان شنیده می‌شود. آنچه قابل توجه بود نظم و انضباط حاکم بر این مجتمع است که از در و دیوار آن نمایان بود.

یک ربع به ساعت ملاقات وارد حیاط مجتمع شدیم. نگهبان مجتمع به استقبال مان آمد و ما را از ورود به داخل ساختمان مجتمع باز داشت و از ما سوال کرد که با چه کسی کار داریم؟ در جوابش گفتیم: برای مصاحبه با حاج اکبر ابراهیمی مدیر

مجتمع آمده ایم. وی گفتند: ایشان نیستند با چه کسی هماهنگ کرده‌اید زیرا معمولاً قبل از ظهر در دفتر کارشان در تهران مستقرند و عصرها اینجا می‌آیند، شما اشتباهاً مراجعه کرده‌اید.

### حاج اکبر ابراهیمی

در ارتباط با مسئولیت افراد توانمند در برابر بیسوادی اعتقاد دارد، همه کسانی که دارای ثروت و سرمایه هستند، در قبال بیکاری، بی اخلاقی، و جرایمی که منشاء آن بیسوادی است، در پیشگاه خداوند مسئول هستند

بعد از چند دقیقه مدیر دفترشان از راه رسید وی با آقای ابراهیمی تماس گرفتند و سپس گفت که آقای ابراهیمی می‌گویند قرار ملاقاتمان دفتر تهران بوده نه مجتمع شلمبه. در این لحظه بود از آن چیزی که می‌ترسیدم که اتفاق بیفتد اما ناباورانه به وقوع پیوست و همه چیز به پایان رسید. در نتیجه ما باید از راهی که آمده بودیم، برمی‌گشتیم ولی از راهی که پیموده بودیم و به سر منزل مقصود نرسیده بودیم؛ زیاد ناراحت نشدیم زیرا در عوض توانستیم بخشی از کارهای یک انسان نیک اندیش و بخشایش‌گر را از نزدیک ببینیم.

